

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه علق

استاد ضرای بهمین ۱۳۹۹

جلسه دوم ۹۹/۱۱/۱۵

آیات شریفه: «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ - بخوان به نام پروردگارت که آفرید (۱) انسان را از علق آفرید (۲)»

عنوان : مروری بر آنچه گذشت

« اَقْرَأْ »: در نگاه اجمالی به سوره در بحث « بسم الله الرحمن الرحيم » گفته شد که بر حسب روایت، قرآن قانون و کتاب همه عوالم وجود است و منازل و مراتب بهشت به عدد آیات قرآن کریم است « علیکم بتلاوة القرآن فان درجات الجنة علی عدد آیات القرآن فإذا كان يوم القيامة قيل لقارئ القرآن اقرأ و ارقأ فكلما قرأ آية یرقی درجة -

بر شما باد به تلاوت قرآن! زیرا که درجات بهشت با عدد آیات مساوی است. روز قیامت به قاری قرآن گفته می‌شود که: بخوان و بالا برو. و او هر آیه که می‌خواند، یک درجه بالا می‌رود» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۴۲)

آیاتی را که انسان از کتاب طبیعت ، کتاب نفس و سایر کتب عالم آفرینش توانسته بفهمد و به آن عمل کند و در آئینه این آیات در برابر پرودگارش قلباً سر تعظیم و سجده فرود آورد، در واقع توانسته است آنها را قرائت کند؛ وگرنه صرف روخوانی قرآن و رعایت محاسن تجوید و لحن و صوت، به معنای قرآنتی نیست که در آخرت به مؤمنین گفته می‌شود: « اقرأ و ارقأ » بخوان و بالا برو. (به معنای توسعه وجودی انسان) زیرا وسعت وجود انسان به وسعت معرفت اوست

و « وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا - هر کس در این جهان نابینا (ی کفر و جهل و ضلالت) است در عالم آخرت نیز (از مشاهده بهشتیان و شهود و جمال حق) نابینا و گمراهتر خواهد بود. » (اسراء/ ۷۲)

فردا که زوال شش جهت خواهد بود قدر تو به قدر معرفت خواهد بود
در حسن صفت کوش که در روز جزا حشر تو به صورت صفت خواهد بود

عنوان : استمداد از اسم ربّ

همان آفریدگاری که خلقت همه چیز از اوست تنها قدرت عطا کردن قرائت بر آیات خود را دارد.

قدرت بر قرائت آیات الهی و فهم آنها و انرژی گرفتن و قدرت بر سیر و حرکت معنوی یافتن کمتر از تغذیه جسم نیست. خداوند برای خوردن غذا، دهان و دندان و زبان و آرواره ها و ابزارای قرار داده است و در مرحله هضم غذا نیز در معده همینطور تا وقتی که غذا به انرژی و قدرت شنیدن ، دیدن و فکر کردن و سایر تحرکات حیات ما تبدیل می‌شود؛ اما آیا تاکنون توجه داشته‌ایم که همه‌ی اینها یک صورت نازله‌ای از یک حقیقت برتری در دنیای روح انسان هستند؟ مگر نه این است که « إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُومٍ - (حجر/ ۲۱) »

خداوند بجای آرواره‌ها، دهان و دندان و دستگاه خرد کردن که پوسته و قشر ظاهر غذا را جدا می‌کند و مغز و لب غذا را در معده هضم می‌کند و شیره آن را می‌گیرد، در دنیای روح ما قدرت اندیشیدن قرار داد که از دیوار ضخیم ظاهر پدیده‌ها و آیات طبیعت و شگفتی‌های عالم درون و نفس انسان عبور می‌کند و به عمق و جان حقایق می‌رسد و از این ادراک و فهم تغذیه می‌کند، به گونه‌ای که قدرت بر دیدن و شنیدن حقایق معنوی و سیر و حرکت در عوالم وجود به ویژه عوالم بعد از دنیا را پیدا می‌کند؛ و این همان حیاتی دوباره است که اگر درباره آن شک کردیم و گفتیم چگونه ممکن است، خداوند در پاسخ این استبعاد ما می‌گوید: « ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ - و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را

فراموش کرد؛ گفت: چه کسی این استخوان‌ها را در حالی که پوسیده است زنده خواهد کرد؟» (یس/۷۸)

می‌گوید منشأ این استبعاد شما این است که شما امکان تحقق حیات جدید را با قدرت خود می‌سنجید؛ اما اگر با قدرت کسی قیاس کنید که برای اولین بار این حیات را بدون سابقه‌ای، آفرید آنگاه استبعاد شما برطرف می‌شود. « قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ - (به او) بگو: همان کسی که بار اول آن را آفرید، (بار دیگر) آن را زنده خواهد کرد و او بر هر آفریده‌ای آگاه است. » (یس/۷۹)

نتیجه‌ای که باید از این مطالب گرفت این است که قدرت بر قرائت آیات حیات بخشی که تولدی دیگر به انسان می‌بخشد فقط و فقط از قدرت لایزال خداوندی ساخته است که همه چیز را آفریده است. « اَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ - بخوان به نام پروردگارت که آفرید. »

| | |
|----------------------------|---------------------------------|
| سیل و جوها بر مراد او روند | اختران زان سان که خواهد آن شوند |
| زندگی و مرگ، سرهنگان او | بر مراد او روانه کوبه کو |
| هیچ دندانی نخندد در جهان | بی رضا و امر آن فرمان روان |
| هیچ برگی درنیفتد از درخت | بی قضا و حکم آن سلطان بخت |
| در زمین و آسمان ها ذره ای | پر نجباند نگردد پره ای |

عنوان : اعتماد بر خدایی که در رحم مادر به ما روزی رساند.

« خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ » از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند : «از میان پنجهایی که لقمان به فرزند خود می‌داده این نکته است که به او می‌فرمود: يَا بُنَيَّ لِيَعْتَبِرَ مَنْ قَصُرَ يَقِينُهُ وَ ضَعُفَتْ نِيَّتُهُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَهُ فِي ثَلَاثَةِ أَحْوَالٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ آتَاهُ رِزْقَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي وَاحِدَةٍ مِنْهَا كَسْبٌ وَ لَا حِيلَةٌ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَّرَ رُفْقَهُ فِي الْحَالِ الرَّابِعَةِ ... - ای فرزندم! کسی که در بدست آوردن روزی، یقینش به خدا

اندک است باید از این نکته عبرت بگیرد که خدای متعال او را در سه مرحله از خلقتش روزی داد بدون آن که خود شخص در آن ها تدبیری داشته باشد البته خدا در حالت چهارم نیز او را فراموش نمی کند و روزی او را می دهد.

نخستین این احوال در رحم مادر بود که وی را در جایگاهی استوار ، از آزار و اذیت سردی و گرمی نگاهداری (حفظ) کرد و رزق داد ، سپس او را از آنجا بیرون آورد و از شیر مادر روزی داد و او را پرورش داد تا آنکه توانا و برومند گردید بدون آنکه خود او قدرتی در آن (بدست آوردن روزی) داشته باشد.

و بعدا از شیر گرفته شد و خداوند او را از دسترنج پدر و مادر روزی داده و دل ایشان را بر وی مهربان گردانیده چنان که در کارها و خوراک و پوشاک او را بر خویشتن برتر دارند. و چون بالیده و خردمند گردید برای زندگی و ارتزاق، در پی کار رود و امر (معاش) بر او تنگ شود به خدای خویش در روزی رسانیدن بد گمان گردد و منکر حقوق (حق مساکین و وجوهات شرعی مانند زکات و خمس) در مال خود شود و از بیم تنگی روزی و در آمد بر خود و همسر خویش تنگ گیرد چنین بنده ای بد بنده ای باشد ای فرزندم»(خصال / صفحه ۱۲۲)

گفته شد که قدرت بر قرائت آیات الهی در حقیقت تغذیه روح است که باعث تولدی دوباره و حیاتی جدید می شود که بعد از این تولد جدید نیز با استمرار تغذیه مناسب سعه وجودی یا گسترش وجود انسان را در پی خواهد داشت.

مرحوم قطب الدین راوندی روایت کرده است: روزی از امام جعفر صادق(ع) سؤال کردند: روزگار خود را چگونه سپری می فرمایید؟ حضرت(ع) در جواب فرمودند: «عمر خویش را بر چهار پایه اساسی سپری می نمایم: می دانم آنچه روزی برای من مقدر شده است، به من خواهد رسید و نصیب دیگری نمی گردد. می دانم دارای وظایف و مسئولیت هایی هستم، که غیر از خودم کسی توان انجام آنها را ندارد. می دانم مرا مرگ درمی یابد و ناگهان بدون خبر قبلی مرا می رباید؛ پس باید هر لحظه آماده مرگ باشم. و می دانم خدای متعال بر تمام امور و حالات

من آگاه و شاهد است و باید مواظب اعمال و حرکات خود باشم. (مستدرک وسائل الشیعه، محدث نوری، ج ۱۲، ص ۱۷۲، ح ۱۵)

امام حسین(ع) می‌فرماید: « لیست العفة بمانعة رزقا و لا الحرص بجالب فضلا و ان الرزق مقسوم و الأجل محتوم و استعمال الحرص طالب المأثم - نه خودداری از حرام و ناپسند، مانع روزی می‌شود و نه حرص، روزی بیشتر می‌آورد، که روزی تقسیم شده و اجل حتمی است و حرص به سوی گناه می‌کشد.»

کس را به خیر و طاعت خویش اعتماد نیست آن بی بصر بود که کند تکیه بر عصا
گر خلق تکیه بر عمل خویش کرده اند ما را بس است رحمت و فضل تو متکا
تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافر است راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

عنوان : بیایید ببینیم می‌توانیم قرائت کنیم؟

اکنون که قرائت در نظرمان در صورتی ارزش دارد که بتوانیم به صورتی قرائت کنیم که مصداق « اقرأ و ارق - بخوان و بالا برو باشد» بیایید ببینیم که می‌توانیم این آیات را با قلبمان تصدیق کنیم و به آن عمل کنیم که حقیقتا به قرائت آن توفیق یافته باشیم؟

«و فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ ، وَ فِي أَنفُسِكُمْ أَ فَلَا تُبْصِرُونَ ، وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ ، فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنكُم تَنطِفُونَ - و در زمین برای اهل یقین، نشانه‌هایی است. و در (آفرینش) خودتان (نیز نشانه‌هایی از قدرت، عظمت و حکمت الهی است.) پس چرا (به چشم بصیرت) نمی‌نگرید؟ و (تقدیر و تدبیر) رزق شما و آنچه وعده داده می‌شوید، در آسمان و عالم بالاست. پس به پروردگار آسمان و زمین سوگند، این سخن ما حق است همچنان که شما سخن می‌گویید. (همان طور که در سخن گفتن خود شك نمی‌کنید، در گفته‌های ما نیز شك نکنید.)» (ذاریات/۲۳-۲۰)

خداوند ما را در مسأله روزی به جهاز تکلم توجه می‌دهد و چنین استدلال می‌کند که آیا وقتی به دستگاه تکلم می‌نگرید و همه اجزائی را که در سخن گفتن شما

نقش دارند می‌نگرید آیا یقین ندارید که شما این امکانات را برای خود ایجاد نکرده‌اید و این تنها موهبت الهی است؟ اگر یقین دارید، بدانید که با همه تلاشی که برای تأمین روزی خود می‌کنید تنها به اندازه استفاده از دستگاه تکلم و بهره برداری از آن نقش ایفا کرده‌اید بلکه کمتر از آن. تلاشی که انسان برای برداشت محصول از زمین می‌کند در برابر خواصی که خداوند به زمین داده است یا نقشی را که باران در رویش گیاهان دارد و یا آفتاب و باد ... قدرتی که خداوند در بازوان و پاهای انسان قرار داده، چشم و گوشی که به او بخشیده و... به راستی نقش انسان در مقابل اینها چقدر است؟ اکنون به بیان لقمان حکیم، اگر اعتماد او به خداوند در رساندن روزی به همان اندازه‌ای که در دنیای رحم از خدا روزی می‌گرفته نباشد، بد بنده‌ای خواهد بود. مگر نه این است که دنیا رحم بزرگتری است که به رحمت و لطف الهی همه چیزش در جهت حمایت و تأمین نیازهای من و توست؟

| | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| چو ما به هر دو جهان خود کجاست دلداری | بیا بیا که نیایی چو ما دگر یاری |
| که نیست نقد تو را غیر من خریداری | بیا بیا و به هر سوی روزگار مبر |
| ندید خلق و نبیند ز شادی آثاری | به غیر خدمت من که مشارق شادی است |
| تو همچو خرابی و من همچو معماری | تو همچو وادی خشکی و من ابر بارانی |
| بدو نگر به دو دیده که داد دیداری | به پای جانب آن کس برو که پایت داد |